

## نقش والدین در مسئولیت پذیری نوجوانان

جامعه شناسان بر این باورند، واگذاری مسئولیت به فرزندان و شرکت دادن آنان در دوره نوجوانی در بده بستان های اجتماعی برای تسهیل رشد انسانی و ورود به دوره جوانی و بزرگسالی ضرورتی انکار ناپذیر است.

کارکردن نیاز هر انسان سالم و درمان گر احساسی نگری و خیال پردازی نوجوانان است. نوجوانی که به دنیای کار وارد می شود؛ فشارهای ناشی از هیجانات نوجوانی را بهتر تحمل کرده و رشد اجتماعی، فکری و عاطفی وی تسریع می شود، مهمتر این که به نوجوانان فرصت داده می شود، ایده های خود را در جریان کار به مرحله آزمایش گذاشته و از این راه رشد خود را به تدریج گسترش دهد، طرح مناسبی برای ایفای نقش های شغلی و اجتماعی خود ریخته و برنامه زندگی خویش را تعیین کنند. محققین معتقدند اگر همه افراد به مسئولیت های خود عمل کنند و خود را متعهد به انجام آن بدانند جامعه با پیشرفت بیشتری روبه رو بوده و از بسیاری جرم و جنایت ها کاسته خواهد شد. در این میان خانواده به عنوان اولین نهادی که فرد از بدو تولد بسیاری ابعاد شخصیتی خود را از آن می گیرد، نقش مهمی در ایجاد مسئولیت پذیری افراد دارد. در یک سال اول تولد می بایستی سرویس بی قید و شرط به کودک داده شود اما پس از آن یعنی از یک سالگی به بعد بایستی کم کم برخی کارها را به خود کودک واگذار کرد.

به عنوان نمونه شیشه شیر را برای خوردن، خودش نگه دارد و غیره. چون فرد در 6 سال اول زندگی به قدری هوشیار و حساس است که هر حرف و عملی را از سوی افراد به خاطر سپرده و در زندگی آینده اش به کار خواهد برد. کودک به دلایلی مانند غذا، پوشاک و غیره به والدین خود وابستگی زیادی دارد، بنابراین آنها را الگوی کارهای خود قرار می دهد و از آنها تقلید می کند و بسیاری از عاداتها، گفتار و کردار (پوشیدن لباس آنان و روشی که در گفت و شنود دارند) را تکرار می کند. برای ایجاد مسئولیت پذیری در کودک و نوجوان بایستی وظیفه ای به آنان واگذار کرد تا آن را تجربه کرده

و اشتباه های خود را در حین آن متوجه شوند و باید خاطرنشان کرد بیشترین میزان اعتماد به نفس در نوجوانان و جوانانی دیده می شود که والدین آنها توجه و علاقه مندی بیشتری به عقاید و فعالیت های فرزندان نشان داده و آنها را تشویق کرده تا رفتاری استقلال طلبانه داشته باشند و در امور زندگی خانوادگی فعالانه شرکت کنند. فردیت یکی از اصول سازمان دهنده رشد انسان و شامل کوشش مستمر شخص برای شناخت خود و هویت خود در ارتباط با سایر افراد است. برای آن که فرد بتواند از دوره کودکی به دوره بزرگسالی برسد نیازمند برعهده گرفتن درجه معینی از مسئولیت ها و وظیفه ها است تا از خودمختاری و استقلال در جامعه برخوردار شود. نوجوان و جوانی که استقلال ندارد نمی تواند رابطه رضایت بخشی را با همسالان خود ایجاد کند و از پس وظایف خود برآید. روانشناسان بر این باورند اگر والدین به فرزندشان مسئولیتی واگذار می کنند باید متناسب با سن، توانایی و استعداد او باشد چون اگر وظیفه ای که به فرد محول می شود مقتضای توانایی او نباشد، از عهده آن کار به خوبی برنیامده و از آن گریزان خواهد شد. از سوی دیگر مسئولیتی که به فرزند داده می شود نباید جنبه زور و اجبار داشته باشد چون موجب صدمه جسمی و روحی وی خواهد شد. به عنوان نمونه وقتی والدین به فرزندشان می گویند فلان کار را انجام بده و فرزند می پرسد چرا؟ می گویند چون من می گویم و توضیحی برای آن کار ارائه نمی دهند. نوع مسئولیتی که به کودک داده می شود باید زود به نتیجه برسد چون در مراحل اولیه واگذاری مسئولیت به کودک یا نوجوان باید وظایفی از سوی خانواده به آنان محول شود تا شخص از آن لذت برده و برای او خسته کننده نشود، از سوی دیگر چنانچه مسئولیت های واگذار شده به نوجوان تمام وقت او را پر کند و فرصتی برای کارهای دیگر نداشته باشد خیلی زود از آن دل سرد و دل زده خواهد شد. جامعه شناسان معتقدند یکی از راههای مهم ایجاد مسئولیت پذیری در نوجوان و جوان درونی کردن آن در ذهن فرد است. شخص اگر انجام وظیفه را جزیی از خود بداند، بدون این که کسی را ناظر بر اعمال خود بداند آن را انجام می دهد نه از روی ترس والدین، معلم و دیگران. برای این کار لازم است والدین از

کودکی مسئولیت های مربوط به هر سن را به شخص القاء کنند. باید خاطرنشان کرد مدرسه یکی از عوامل مهم ایجاد احساس مسئولیت در فرد است. به عنوان نمونه گاه معلمی می خواهد کارهای شاگردانش را به نمایش بگذارد، ممکن است برای بهتر جلوه دادن کار شاگردانش بسیاری از کارها را خود، انجام دهد در نتیجه کاری که به نمایش درآمده است پیش از آن که نماینده واقعی کار شاگردان باشد، گویای فعالیت های معلم است اما چون والدین بیشتر با وضعیت کارهای فرزند خود آشنایی دارند، بعید است که متوجه دخالت های معلم در کار نشوند، نتیجه دیگر این کار این است که شاگردان می دانند که کارها متعلق به آنها نیست، بنابراین تمجید دیگران سبب تقویت کوشش آنها نخواهد شد. یکی دیگر از راههای ایجاد مسئولیت پذیری در افراد عدم دخالت های بیش از حد والدین در کارهای فرزندان است. برخی والدین در وظایف فرزندان به آنها کمک کرده تا کارها سریع تر و بهتر انجام شود اما نباید فراموش کرد با این صرفه جویی در وقت، فرزندان غفلت کردن و مسئولیت نپذیرفتن را آموخته و برای کاری که انجام نداده اند امتیاز می گیرند. به عنوان نمونه اگر کسی به خانه آنها بیاید و اتاق بچه ها را مرتب و تمیز ببیند آنها را مورد تحسین و تشویق قرار می دهد در صورتی که آن کار را بچه ها انجام نداده اند، در نتیجه در رفتار آینده آنها اثری سوء خواهد گذاشت که از نمونه های آشکار آن عدم احساس مسئولیت پذیری در زندگی زناشویی آنها خواهد بود؛ به دلیل این که زندگی زناشویی بر پایه مشارکت استوار است. چنانچه یکی از طرفین از مسئولیت خود شانه خالی کند اختلافهای عمیقی در خانواده به وجود خواهد آمد. پس برای تربیت و پرورش افرادی مستقل و خودمختار، خانواده و مدرسه نقشی اساسی ایفاء می کنند که توجه به آن از ضروریات به شمار می آید.